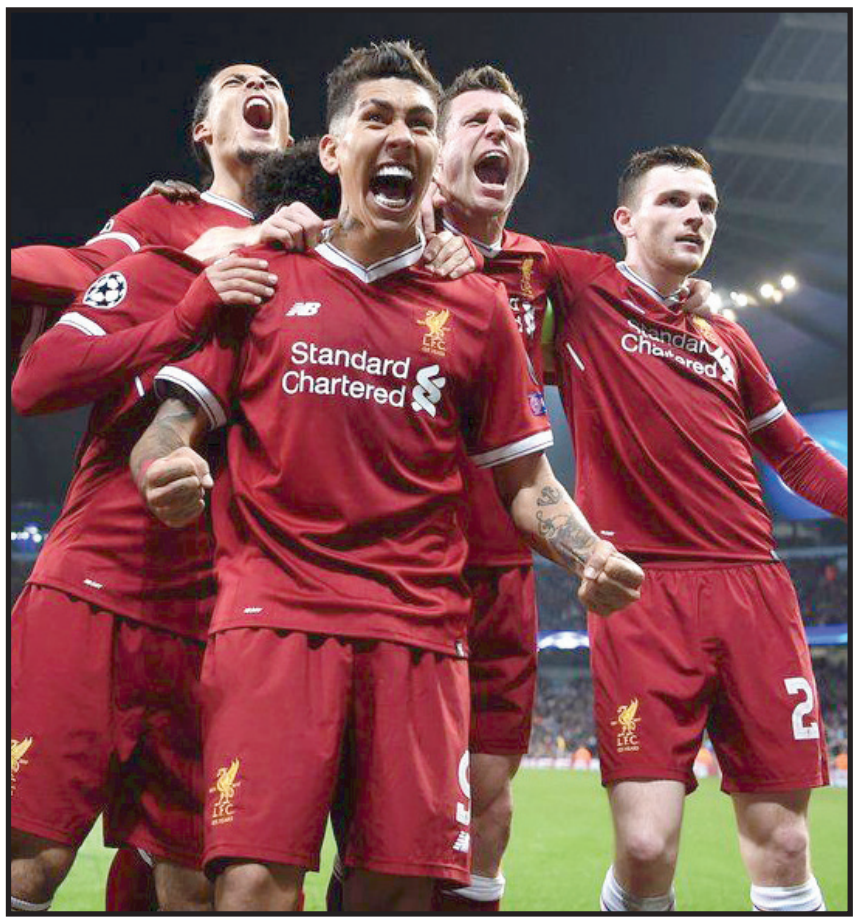

استفاده پپ، کلوپ، توخل، آرتتا و کونته از عرض ۵ نفره در حملات

بازگشت به اصل خود!

علی کمانگری
Ali Kamangari

پپ گواردیولا و یورگن کلوپ. اولی با سابقه درو کردن ۱۲ جام از ۱۵ جام موجود در سه فصل اول حضورش در بارسلونا و در ادامه قهرمانی در بوندس‌لیگا و پرمیرلیگ. دومی با سابقه رساندن ماینز از سطح سوم به سطح اول فوتبال آلمان، دو بار قهرمانی بوندس‌لیگا به همراه دورتموند و قهرمانی پرمیرلیگ و چمپوینز لیگ به همراه لیورپول. بسیاری از کارشناسان و مفسران دنیای فوتبال، پپ و کلوپ را بهترین مربیان حال حاضر جهان می‌نامند. آنچه گواردیولا از سال ۲۰۰۹ به بعد در فوتبال دنیا پیاده کرد، به گمان بسیاری تکامل‌یافته‌ترین شکل توتال فوتبالی بود که رینوس میشل به همراه تیم ملی هلند در دهه ۷۰ میلادی به نمایش می‌گذاشت. فوتبالی مالکانه همراه با پرسینگ شدید. پرسینگی شدید متکی بر قانون ۶ ثانیه پپ. «تنها ۶ ثانیه بعد از لو رفتن توپ، برای بازپس‌گیری آن فرصت دارید». « دفاع تیم ما نه از عقب زمین، بلکه از همان جلوی میدان شروع می‌شود». اینها جملات ماندگاری‌اند که توسط گواردیولا در مورد سبک پرسینگ تیمش بیان شده‌اند. به فاصله کوتاهی بعد از پپ، مربی خوش‌سیما و آلمانی تمام توجهات را به سوی خود جلب کرد. با اجرای فوتبالی متکی بر پاس‌های طولی، انتقال بسیار سریع از فاز دفاع به حمله و پرسینگی شدیدتر از تیم‌های پپ. آنچه «gegen-pressing» نام‌گذاری شد. یورگن کلوپ با الهام از پرسینگ هلند رینوس میشل و میلان آریگو ساکی، کاربرد جدیدی از پرسینگ گرفت. او پرسینگ را بهترین بازیساز تیم خود می‌پنداشت. تیم‌های او تمایل داشتند با بازپس‌گیری سریع توپ، در همان نقطه تصاحب توپ به حریفشان ضربه بزنند، زیرا اعتقاد کلوپ بر این بود که در چنین حالتی هنوز آرایش دفاعی حریفان شکل نگرفته و آنها بیشترین آسیب‌پذیری را دارند.

در تمام این سال‌ها بحث‌های بسیاری پیرامون این دو مربی شکل گرفته است؛ کدام یک مربی موفق‌تری بودند؟ سبک بازی کدام تیم جذاب‌تر است؟ کدام یک به زیبایی در فوتبال اهمیت بیشتری می‌دهند؟ واقعیت آن است که علی‌رغم تفاوت‌های فاحشی که میان نحوه پرسینگ و کاربرد آن و همچنین نحوه استفاده دو مربی از مالکیت توپ وجود دارد، هر دو مربی در یک نقطه مهم اشتراک دارند: استفاده از یک عرض ۵ نفره در حملاتشان. نکته زمانی جالب‌تر می‌شود که بدانیم علاوه بر پپ و کلوپ، مربیانی مثل آرتتا، کنته و توماس توخل هم از این عرض ۵ نفره در حملاتشان استفاده می‌کنند اما استفاده از عرض ۵ نفره از چه زمانی در فوتبال رایج شد؟ آیا پپ و کلوپ بنیانگذار این آرایش تهاجمی بوده‌اند؟ پاسخ، یک « نه» بزرگ است.

خاستگاه آرایش ۵ نفره در حملات

واقعیت آن است که یکی از اولین آرایش‌هایی که در فوتبال دنیا مطرح شد، آرایش ۵-۳-۲ بود اما این آرایش چندان شباهتی به آرایش تیم‌های پپ و کلوپ ندارد، زیرا این دومربی بازی را با ۵ مهاجم حقیقی (بسان آرایش ۵-۳-۲ ابتدایی) آغاز نمی‌کنند. در اوایل دهه ۲۰ میلادی، هربرت چاپمن، سرمربی وقت آرسنال، با اعمال تغییراتی در آرایش ۵-۳-۲، آن را به ۳-۲-۳ تغییر داد، آنچه بعدتر به آرایش W-M معروف شد. این آرایش تقریباً تا دهه ۶۰ میلادی، رایج‌ترین آرایش در فوتبال بریتانیا بود. کمی آن طرف‌تر از بریتانیا، ویتوریو پوتزو، سرمربی تیم ملی ایتالیا در دهه ۲۰، ۳۰ و ۴۰، از آرایش ۲-۳-۲-۳ بهره برد. از این آرایش هم مانند آرایش چاپمن تحت عنوان W-M یاد می‌شود اما جاناتان ویلسون، نویسنده و پژوهشگر مطرح فوتبال، اعتقاد دارد آرایش پپ گواردیولا در بارسلونا و بعدتر در بایرن و سیتی، از آرایش پوتزو الهام گرفته شده است. بعدتر و در دهه ۵۰ میلادی، گوژتاو سبس در مجارستان طلایی آن دوران هم شکل دیگری از آرایش W-M با چیدمان ۲-۳-۳-۲ را استفاده کرد. در حقیقت تفاوت چندانی میان آرایش‌های چاپمن، پوتزو و سبس وجود نداشت. هدف آن بود که شما ۵ نفر را در حمله و ۵ نفر را در دفاع داشته باشید تا تعادل لازم بین دو فاز حمله و دفاعتان ایجاد شود. ایده‌ای تا این حد ساده بر پایه برابری اعداد که بعدها توسط پپ، کلوپ و سایرین به کاربردی‌ترین و پیچیده‌ترین آرایش جهان فوتبال تبدیل می‌شد.

پیوند میان پپ و آرایش ۵ نفره

وقتی گواردیولا در سال ۲۰۰۹ به عنوان سرمربی بارسلونا انتخاب شد، بلافاصله روی نام ستارگانی چون رونالدینیو، زامبورتا و دکو قلم قرمز کشید. او از همان ابتدا آمده بود تا فوتبال مالکانه و گردش سریع توپ تیم‌های رینوس میشل و یوهان کرویف را با پرسینگ شدید تیم‌های آریگو ساکی مخلوط کند و این معجون معجزه‌آسا را در ظرف آرایش W-M ویتوریو پوتزو بریزد. پپ با قرار دادن سرخیو بوسکتس یا یاياتوره بین پیکه و پویول، یک عرض سه‌نفره را برای ساخت بازی از عقب زمین ایجاد می‌کرد. در جلوی این سه نفر، ژاوی به عنوان طراح حملات قرار می‌گرفت و در کنار او، اریک آبیدالی قرار داشت که نسبت به دنی آلوز قابلیت نفوذ چندانی نداشت اما در جلوی این ۵ نفر، تیری آنری در گوش سمت چپ، دنی آلوز در گوش سمت راست، ساموئل اتوئو بین دو مدافع میانی حریف، آندرس اینیستا در نیم فضای چپ و لیونل مسی در نیم فضای راست قرار می‌گرفتند. بدین ترتیب آن عرض ۵ نفره مورد نیاز در جلوی زمین ایجاد می‌شد و وجود ۵ نفر در عقب زمین هم مانع از آسیب‌پذیری تیم در ضدحملات می‌شد. البته این‌که این آرایش در عقب زمین، به صورت ۲-۳ یا ۳-۲ باشد، بسته به تعداد مهاجمان تیم حریف داشت که مدافعین صاحب توپ شما را پرس می‌کردند. هدف آن بود که همواره به هنگام ساخت از عقب زمین، یک برتری عددی وجود داشته باشد. در دوران حضور پپ در بایرن‌مونیخ و سیتی، تغییراتی جزئی در این آرایش ۵-۵ ایجاد شد اما قاعده کلی ثابت ماند. به طور مثال در تیم بایرن، هافبک دفاعی بین دو دفاع میانی قرار می‌گرفت تا عرض سه نفره در عقب ایجاد شود اما دو نفر جلوی این سه بازیکن را، لام و آلابا، که پیش‌تر در بایرن مدافعین کناری بودند، تشکیل می‌دادند. از این نقطه بود که پست جدیدی تحت عنوان «Inverted-fullback» به دنیای فوتبال اضافه شد، یعنی مدافعان کناری که در نیم‌فضاهای خودی به عنوان هافبک دفاعی هنگام ساخت بازی از عقب زمین عمل می‌کردند اما ۵ نفر جلوی زمین چگونه بودند؟ بال راست و چپ گواردیولا در تیم بایرن (ریبری-روبن یا کومن-کاستا) هر دو کاملاً لب خط باز می‌شدند، در حالی که در تیم بارسلونا، مسی به عنوان گوش راست به داخل می‌زد و چندان لب خط بازی نمی‌کرد و این دفاع راست تیم (آلوز) بود که وظیفه بازی در لب خط سمت راست را داشت. مهاجم نوک در تیم بایرن هم مثل بارسا میان دو مدافع میانی حریف بازی می‌کرد و سرانجام دو هافبک دیگر تیم بایرن (به‌جز هافبک دفاعی) در آرایش سه نفره خط هافبک، وظیفه داشتند تا به نیم‌فضاهای راست و چپ حمله کنند و عرض پنج نفره جلوی زمین با سه مهاجم و دو تن از هافبک‌ها ایجاد شود. آنچه پپ این روزها در منچسترسیتی استفاده می‌کند، ترکیبی از آرایش او در بارسلونا و بایرن‌مونیخ است. به واقع بستگی دارد که پپ از مدافعین کناری رونده با قابلیت ارسال‌های خوب مثل مندی در چپ استفاده کند یا از مدافعان جنگنده‌تری چون واکر در راست. در حالت اول شما مدافع کناری خود را لب خط باز می‌کنید، به بازیکن بال سمت چپ خود دستور می‌دهید به جای بازی در لب خط (که توسط مدافع کناری‌تان اشغال شده)، به نیم فضای سمت خودش حمله کند. در چنین موقعیتی دیگر نیاز به نفوذ یکی از سه هافبک میانی‌تان به نیم فضا وجود ندارد اما در حالت دوم، شما مدافع کناری راست خود را تبدیل به Inverted fullback می‌کنید، بال راست‌تان را در لب خط باز می‌کنید و به یکی از سه هافبک میانی‌تان (که جایش توسط Inverted-fullback احاطه شده) دستور نفوذ به نیم‌فضای همان سمت را می‌دهید. نکته این است که تحت هر شرایطی عرض ۵ نفره را در جلوی زمین داشته باشید، حال می‌توان این کار را با سه مهاجم و دو مدافع کناری، سه مهاجم و دو هافبک رونده یا سه مهاجم و یک مدافع کناری از یک سمت و یک هافبک رونده از سمت دیگر ایجاد کرد.

آرایش ۵ نفره تیم‌های کلوپ

هنر اصلی یورگن کلوپ در تبدیل «fullback»های تیم خود در لیورپول به «wingback»ها است، به زبان ساده‌تر او آرنولد و رابرتسن را که در اصل دو مدافع کناری‌اند، به هنگام طراحی حملاتش تا لب خط تیم حریف بالا می‌آورد و آنها را به نوعی تبدیل به یک بازیکن پیستون (که در پست ۵-۳-۲ مورد استفاده است) می‌کند. این دومدافع کناری در کنار سه مهاجم تیم (صلاح، فیرمینو و مانه) عرض ۵ نفره لازم را ایجاد می‌کنند، با این توضیح که صلاح و مانه به نیم‌فضای راست و چپ حمله می‌کنند و فیرمینو هم بین دو مدافع میانی بازی می‌کند. البته همانطور که در تیم‌های پپ گواردیولا احتمال دارد بازیکن پست ۹ (سرخیو آگوئرو، گابریل ژسوس یا برناردو سیلوا) تبدیل به یک « ۹ کاذب» شده تا به خط هافبک اضافه شود و در آن منطقه برتری عددی ایجاد کند، در تیم لیورپول هم در بعضی بازی‌ها اتفاقی مشابه برای فیرمینو می‌افتد. سه نفر عقب زمین لیورپول هم با دو مدافع میانی و فابینیو که در بین آنها قرار می‌گیرد، تشکیل می‌شود. هندرسون و وایینالدوم هم جلوی این سه حضور دارند و یک آرایش ۲-۳ در عقب تشکیل شده که احتمال تبدیل آن به ۳-۲ وجود دارد. بنابراین تا اینجا دریافتیم که پپ گواردیولا و یورگن کلوپ با وجود اینکه هردو با آرایش پایه ۳-۳-۴ بازی را آغاز می‌کنند اما در هنگام ساخت بازی از عقب زمین این آرایش را به ۲-۳-۳-۲، ۳-۲-۳-۲، ۲-۳-۲-۳ و ۳-۲-۲-۳ تغییر می‌دهند. آرایش‌هایی که در گذشته به W-M معروف بودند. این هم از طعنه‌های زمانه است که در روزگاری که فوتبال بیش از هر زمانی به سمت علمی شدن حرکت کرده و اهمیت داده‌های به دست آمده از آنالیز فنی بازیکنان و بررسی سلامت بدن آنها به بالاترین حد خود رسیده، پیشروترین مربیان این ورزش از آرایشی استفاده می‌کنند که نزدیک به یک قرن پیش رواج داشته است! در هفته آتی به بررسی چگونگی استفاده از این عرض ۵ نفره در حملات توسط آنتونیو کونته، توماس توخل و مایکل آرتتا خواهیم پرداخت و به این سؤال مهم پاسخ خواهیم داد: استفاده از این آرایش در حمله چه مزیتی دارد؟